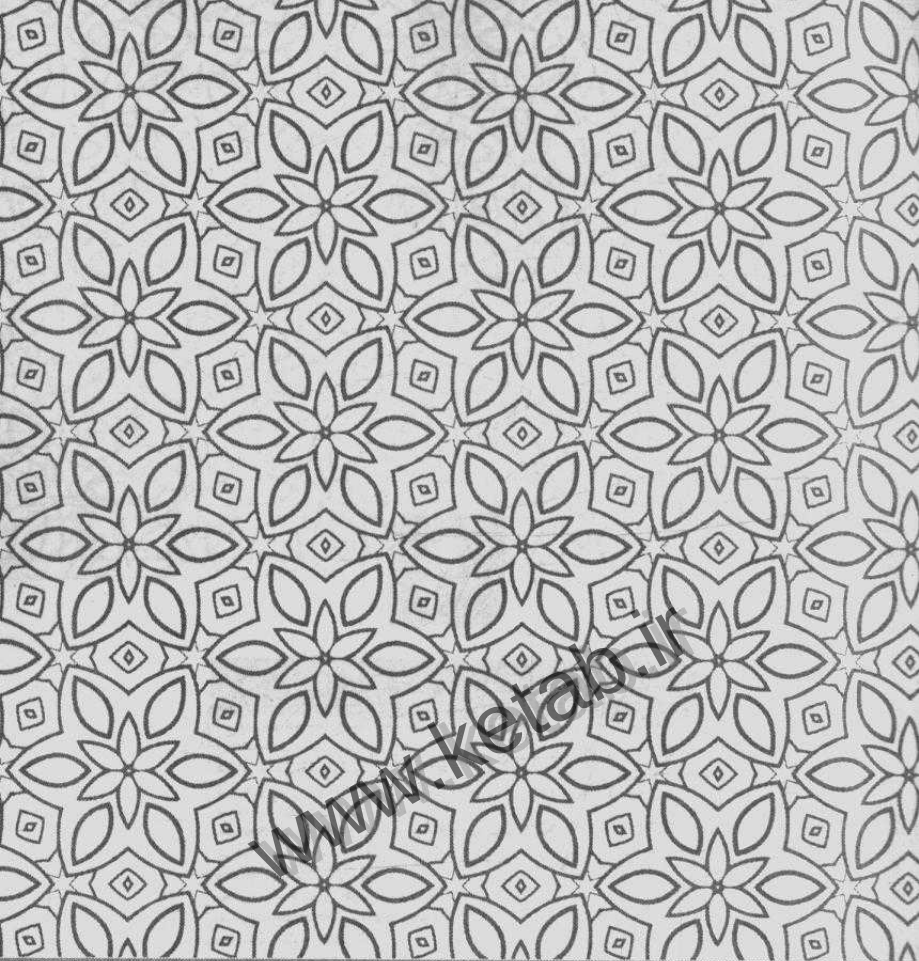




سی‌پویاها

| آل برت فرح‌بخش |

| واقعی، نزدیک و دورتر خودمان |



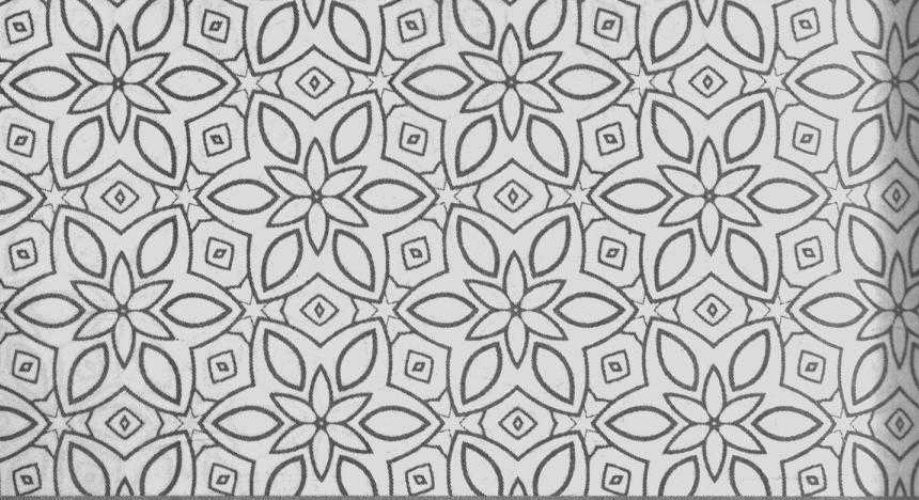
سی پویاها

سرشناسه: فرح بخش، آل برت، ۱۳۹۹
عنوان و نام پدیدآور: سی پویاها (واقع در نزدیکی دورتر خودمان) / آل برت
فرح بخش
مشخصات نشر: تهران: افق بی پایان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۵۰۸ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۰-۷۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره: PIR ۸۱۵۹
رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۶۵۸۵۸
وضعیت رکورد: فیبا

سی پویاها: آل برت فرح بخش | مدیر فرایند نشر: مهدی خسروی | دبیر مجموعه:
پرویز شیشه‌گران | ویراستار: آلیا | نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹ | ناشر: افق بی پایان
تیراژ: ۱۰۰۰ | نسخه | قیمت: ۱۲۰۰۰ | تومان | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۰-۷۶-۶

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، مرکز خرید دانشگاه، پلاک ۵
تلفن تماس: ۶۶۹۵۷۳۵۳-۶۶۹۵۷۳۳۵
ایمیل: ofoqbp@gmail.com | وبسایت: www.ofoqbp.com





www.ketab.ir

فهرست

۲۴۹	سیه چشم	۹	مقدمه
۲۷۹	کتابخانه ونسی	۱۳	پیشگفتار
۳۰۷	به عرش رسیدن	۱۹	شکار
۳۲۷	سی پویاها	۴۵	باران
۳۶۵	قبول نکردن تقدیر	۱۰۹	بزرگ شدن
۴۰۷	یک کلام حرف حساب	۱۴۱	ملکه شدن
۴۶۵	فرشته های سیاه سوخته	۱۹۵	گذر عمر
۴۸۳	تولد	۲۰۹	آواز راز

مقدمه

حوالی سال‌های پس از جنگ جهانی اول، گروهی از مهندسان معادن اروپا برای بازدید معدن دغال سنگ شمشک آمدند. اما معدن خیلی مورد نظرشان واقع نشد. به طوری که از آلودگی‌های آن راضی نشدند ولی خیلی خوشحال شدند؛ مهم‌تر از آن را پیدا کردند.

غرب و اروپا که مترصد پیشی گرفتن در صنعت الکترونیک و هر چه بیشتر دست یافتن بر تکنولوژی بودند، نیاز بیشتری به مواد معدنی احساس می‌کردند. از جمله سلیس که برای ساخت قطعات الکترونیکی کاربرد زیادی داشت، ولی کار کردن درون معدن هم سختی و مشکلاتی زیادی.... به همین دلیل برای انجام کارهایش به کسانی احتیاج داشتند که جدا از سخت کار کردن، باید انگیزه (اجبار) انجام آن کار را هم می‌داشتند. اما مطمئناً چنین کسانی بین مردمان خودشان نداشتند، ضمن آن‌که به دلیل مشکلات و سختی کار هم دولت مردان آن‌ها نمی‌خواستند از مردم خودشان استفاده کنند. شاید به همین دلیل و نه از بابت بازدید معدن

ذغال‌سنگ شمشک یا همکاری با دولت، به این جا آمدند که شنیده بودند: «کارگران ماهر و جان‌سختی در آن معدن کار می‌کردند؛ غیر از آن‌که محلی نبودند، مزد ناچیزی هم می‌گرفتند و...»

گروه مهندس‌ها حتی از طریق اسکی کردن، سعی داشتند با آن‌ها آشنا و صمیمی بشوند تا نظرشان را جلب کنند. تعدادی از کارگرها که از اجاره‌نشین‌های ده اراج، اُزگل و همان اطراف بودند با شنیدن حرف‌هایی که صاحب کار و زندگی خواهند شد. در زمستان سرد همان سال که معدن هم زیر بارش برف زیاد و شاید هم بهمن پنهان ماند، طوری که مجبور شدند تا بهار صبر کنند. به دلیل تعطیل شدن کار که دیگر دستمزدی در کار نبود و با توجه به همان پیش‌پا نیاده بودن ماشین برای رفتن به شهر، سفارت و فرودگاه) پذیرفتند با زن و بچه‌هایشان بروند و... همان موقع هم مشغول کار شدند.

آن‌ها طی مدت کوتاهی تونل‌ها و دالان‌های معدن را ساختند، طوری که همه را به حیرت واداشتند! خیلی سالی نگذشت ولی با شروع جنگ جهانی دوم بنا بر سیاست آن زمان (شاید وجود جاده کنار همان معدن) کشورهایی از غرب و اروپا سعی داشتند آن‌جا را بمباران کنند. بعد از مدتی و با جدی شدن جنگ و فرو ریختن معدن که همه از آن جا رفتند. معدن هم فراموش شد.

چه حیف و افسوس که آن همه سختی‌های کار معدن و عمر آن‌ها هم در پوشش جنگ فراموش می‌شد. حتی بیماری و مرگ‌شان به «گردن جنگ» افتاد و کسی هم متوجه آن کارگرها نشد.

گفته‌ها یا نقل وقایع و قصه‌ها به وسیله نویسندگان نوشته می‌شود. نوشته‌ها

هم به صورت کتاب‌های دینی، علمی، شعر و رمان در دسترس مردم قرار می‌گیرد. همان‌طور که گفته‌های مقدس از آسمان نازل می‌شود. وقایع و قصه‌های زندگی مردم هم از دل و جان گفته می‌شود. اگر واقعه‌ای رخ داده باشد که چندین نفر بازگوکننده آن بودند، ولی توسط یک نفر و در طول یک شب گفته شود ممکن است این‌طور هم شنیده و نوشته شده باشد. در هر صورت و چه عالی می‌شود وقتی خوشبختی خواندن «رمان» شوق «ارباب ادبیات» شدنی نشود تا ماجرای پیش‌آمده، ضمن هر چه بال پرواز (دعا و تفکر) بیش‌تری بشود. برای هر چه باشکوه‌تر گذراندن لحظات هدیه شده عمر آن‌طور عبور زمان در همراهی زندگی عزیزانی از گذشته، تا یاد و شادی روحشان شده باشد.